



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی اثربخشی یادگیری همکارانه بر خودشکوفایی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دزپارت

سید داریوش حسینی^۱

۱- کارشناسی روانشناسی عمومی، آموزگار مقطع ابتدایی، شهرستان دزپارت، خوزستان، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی یادگیری همکارانه بر خودشکوفایی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دزپارت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می باشد. روش تحقیق، کاربردی، نیمه تجربی از نوع آزمایشی (پیش آزمون - پس آزمون) می باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دزپارت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل دادند که تعداد ۴۰ نفر از آنان به روش نمونه گیری تصادفی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیدند و به پرسشنامه استاندارد خودشکوفایی مازلو و کراندل (۲۰۱۸) پاسخ دادند. جهت تجزیه و تحلیل از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ و آزمون های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده گردید. نتایج نشان داد از لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات خودشکوفایی در گروه های آزمایش و کنترل وجود دارد به طوری که خودشکوفایی دانش آموزان گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل نشان داده شده است. بنابراین می توان بیان کرد روش آموزش دانش آموز محور بر خودشکوفایی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دزپارت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تاثیر معنی داری داشته است. کلید واژه ها: اثربخشی، یادگیری همکارانه، خودشکوفایی، دانش آموزان، شهرستان دزپارت

۱-مقدمه

تربیت نیروی انسانی یکی از برجسته ترین شاخص های تحول و پیشرفت محسوب می شود. چنین تحولی تحقق نخواهد یافت، مگر آنکه طرز تفکر و عمل مدیران و نظام های آموزشی، به ویژه معلمان تحول یابد. محیط های آموزشی زمانی می توانند اثربخش و کارآمد باشند که کلیه فعالیت های آموزشی دارای معیارهای مشخص علمی باشند. یادگیری و تحول، صنعتی نیست که به زور یا با تحمیل اندیشه و اطلاعات و به شیوه غیرعلمی بتوان آن را در دیگران به وجود آورد (شعبانی، ۱۳۹۷). تعلیم و تربیت در قرن حاضر نه تنها به دنبال کشف شیوه های مناسب آموزش و یادگیری برای یادگیرندگان است بلکه در بازسازی شخصیت و توانمندی های فراگیرندگان می کوشد. هدف این است که آموزش به شکلی مطلوب به فرهنگ توسعه انسانی تبدیل شود. بنابراین نگرش، باید در آموزش و پرورش ما نیز تحولات عمیق و دگرگونی های اساسی ایجاد شود تا زمینه رشد خلاقیت و شکوفایی استعدادها فراهم و فراگیرندگان منفعل به یادگیرندگانی فعال تبدیل شود. در این راستا، مدارس نقش مهمی دارند و باید بسترهای مناسب برای کسب تجربه های علمی - عملی و اجتماعی را به فراگیرندگان فراهم آورند (معمودی و ابطحی لقب، ۱۳۹۶). پژوهش ها نشان می دهد که با ترتیب دادن همکاری یادگیرندگان به شکل دو نفری یا در گروه های کوچک به هنگام کارکردن روی فعالیت ها یا تکالیف، غالباً نتایج بسیار مثبتی به دست می آید. یادگیری همکارانه، مزایای



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

عاطفی و اجتماعی، مانند علاقه ی فزونتر به موضوع درس و ارزش گذاری بیشتر بدان را ترویج می کند و نگرش های مثبت و تعاملات اجتماعی در بین آنان را که از نظر جنسیت، نژاد، قومیت، سطوح موفقیت و سایر خصوصیات متفاوت هستند، افزایش می دهد. یادگیری همکارانه ضمناً با درگیرکردن محصلان در بحث و گفتگو ظرفیتی برای تحصیل امتیازات شخصی و فراشناختی به وجود می آورد که مستلزم آن است تا پردازش اطلاعات مرتبط با تکالیف و راهبردهای حل مسئله را وضوح ببخشند. محصلان وقتی که در بعضی اشکال یادگیری همکارانه، به عنوان جایگزین تکمیل انفرادی تکالیف محوله، درگیر می شوند، به احتمال قوی نتایج بهتری بروز می دهند (بیابانگرد، ۱۳۹۲). یادگیری همکارانه می تواند در فعالیت هایی به کار رود که دامنه ی آن ها از تمرین و مشق تا یادگیری داده ها و مفاهیم، و بحث و حل مسئله وسعت دارد. شاید بالاترین ارزش یادگیری همکارانه این باشد که راهی است برای متعهدکردن محصلان به یادگیری سودمند و جدی که با وظایف و تکالیف اصیل در یک محیط اجتماعی همراه است (شعاری نژاد، ۱۳۹۰). محصلان در حالت دو به دو یا در گروه های کوچک، شانس بیشتری برای حرف زدن دارند تا در فعالیت هایی که به کل کلاس مربوط می شوند. ضمناً احتمال بیشتری هست که محصلان کمرو و خجالتی خود را در بیان آراء و نظریات در این محیط های خود مانی تر، راحت تر احساس کنند. برخی از شکل های یادگیری همکارانه ایجاب می کنند که شاگردان یکدیگر را در دستیابی فردی به اهداف یادگیری یاری دهند و برای مثال این مهم را با بحث درباره ی نحوه ی پاسخ گویی به تکالیف محوله، واری تکالیف انجام شده، یا ارائه پس خور یا کمک مری به انجام رسانند. سایر اشکال یادگیری همکارانه مستلزم آنند که شاگردان با یکدیگر برای محقق کردن یک هدف گروهی، با روی هم گذاشتن توان ها و امکانات خود و سهیم شدن در کار همکاری کنند (داودی، ۱۳۹۳). الگوهای یادگیری همکارانه که مستلزم کارکردن شاگردان با یکدیگر برای تولید یک محصول گروهی هستند غالباً این ویژگی را دارند که نوعی تقسیم کار در بین افراد مشارکت کننده در گروه را عملی می کنند (شعاری نژاد، ۱۳۹۲). روش های یادگیری همکارانه بنا بر بیشترین احتمال، باعث تقویت نتایج یادگیری می شوند، البته به شرط آن که اهداف جمعی را با مسئولیت فردی درهم آمیزند. این بدان معنی است که هر عضو گروه به سهم خود در قبال تحقق اهداف یادگیری، جوابگو و مسئول باشد. محصلان می دانند که از هر عضو گروه ممکن است خواسته شود که به هریک از پرسش های گروه پاسخ دهد، یا ممکن است از فرد فرد آن ها در مورد آنچه یاد می گیرند امتحان شود. فعالیت هایی که در اشکال و شیوه های یادگیری همکارانه مورد استفاده قرار می گیرند باید با خود این شیوه ها تناسب داشته باشند. بعضی فعالیت ها در طبیعی ترین شکل خود به وسیله ی افراد و به تنهایی انجام می شوند. فعالیت های دیگری هستند که شاگردان دو به دو روی آن ها کار می کنند و بالاخره باز هم فعالیت های دیگری وجود دارند که به وسیله ی گروه های کوچک سه تا شش نفری محصلان به انجام می رسند. در زمان هایی که محصلان دارند دو به دو و یا در گروه های کوچک کار می کنند وظیفه ی معلم این است که بپرشد و بر پیشرفت کارها نظارت کند، اطمینان یابد گروه ها دارند کار خود را به شکل ثمربخشی انجام می دهند و هرگونه کمک لازم را در اختیار شاگردان قرار دهد (شعاری نژاد، ۱۳۹۰). خودشکوفایی انگیزه ای اصلی است که ۱۷ فرانیاز را در هم ادغام می کند. این ارزش ها شامل درستی، خوبی، زیبایی، وحدت و یکپارچگی، فراروندگی دو وجهی، زنده بودن و پیش رفتن، بی همتایی، کمال، غایت مندی، عدالت، نظم، سادگی، جامعیت، جدیت، شوخ طبعی، خودبستگی و معناداری است (مارشال، ۱۳۹۴). در واقع روش یادگیری همکارانه روشی است که در آن دانش آموزان در جریان یاددهی - یادگیری نقش فعالی بر خودشکوفایی استعدادها در خود دارند. بطوریکه آنان در ارتباط با مطالب آموزشی به بحث می پردازند، مسایل را حل و تمرین می کنند و با استفاده از راهنمایی های معلم به کسب تجربه می پردازند و به عبارتی تعاملی دو طرفه بین معلم و دانش آموز وجود دارد چرا که دانش آموز خود تجربه می کند و در نتیجه تجربه در کار، تمایلات و اعمال او منجر به تغییر می گردد و در واقع نقش موثری در خودشکوفایی دانش آموزان دارد. در روش های یادگیری همکارانه، مهارت های ذهنی سطح بالا نظیر فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و قضاوت و ارزشیابی تقویت می گردد. در این روش ها معمولاً روابط گروهی تقویت می گردد (نفیسی، ۱۳۹۸).



به طور کلی بر اساس یادگیری همکارانه، وظیفه ی اصلی معلم برانگیختن و تسهیل فعالیت های دانش آموزان است و فردیت، خلاقیت و رشد ابعاد عاطفی و اجتماعی دانش آموزان باید در کانون توجه قرار گیرد وقتی این رویکرد مبنا قرار گیرد ابعاد گوناگون آن یعنی خودشکوفایی و یادگیری در دانش آموزان مطرح می شود (افشاری زاده، ۱۳۹۸).

با توجه به مطالب ذکر شده مقاله حاضر با هدف بررسی اثربخشی یادگیری همکارانه بر خودشکوفایی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دزپارت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام گرفته است.

۲- روش

روش تحقیق، کاربردی، نیمه تجربی از نوع آزمایشی (پیش آزمون - پس آزمون) می باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دزپارت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل دادند که تعداد ۴۰ نفر از آنان به روش نمونه گیری تصادفی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیدند و به پرسشنامه استاندارد خودشکوفایی مازلو و کراندل (۲۰۱۸) پاسخ دادند. این ابزار شامل ۱۵ جمله در مقیاس لیکرتی می باشد که آزمودنی در پاسخ به هر سوال باید یکی از گزینه های طیف ۶ درجه ای را از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۶) انتخاب کند. این آزمون یک نمره کلی دارد و بیانگر میزان خودشکوفایی ادراک شده در فرد می باشد. به منظور تعیین روایی جهت گیری شخصی POI استفاده شد، نتایج نشان داد که بین این دو آزمون با ضریب همبستگی ۰/۶۷ ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد و آزمون از روایی بالایی برخوردار است. همسانی درونی این آزمون در این پژوهش ۰/۶۷ کرونباخ آلفا محاسبه شده است. همچنین پایایی این آزمون به روش بازآزمایی بر روی ۲۰ دانشجو در فاصله ۱۵ روز ۰/۷۵ محاسبه شده است (برانیگان، ۲۰۱۸). جهت تجزیه و تحلیل از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ و آزمون های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده گردید.

۳- یافته ها

جدول (۱): مقایسه شاخص های آماری خودشکوفایی دانش آموزان

شخص			گروه		خرده مقیاس
تعداد	انحراف معیار	میانگین			
۲۰	۲/۳۷	۶/۰۵	پیش آزمون	کنترل	خودشکوفایی
۲۰	۲/۴۳	۶/۹۵	پس آزمون		
۲۰	۱/۹۶	۷/۵۰	پیش آزمون	آزمایش	
۲۰	۲/۶۰	۷/۶۰	پس آزمون		

جدول (۲): نتایج تحلیل کوواریانس بین متغیر پاسخ خودشکوفایی و فاکتور ثابت گروه

آماره	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
مدل تصحیح شده	۳۰/۲۵	۳	۱۰/۰۸	۱/۸۱	۰/۰۰۰۱
عرض از مبدا	۶/۲۶	۱	۶/۲۶	۱/۱۳	۰/۰۰۲
پیش آزمون	۸/۱۰	۱	۸/۱۰	۱/۴۶	۰/۰۰۲
گروه	۸/۰۰۷	۲	۴/۰۰۳	۰/۷۲	۰/۰۰۴
خطا	۴۲۱/۷۰	۷۶	۵/۵۴		
کل	۴۴۰۰	۸۰			



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

			۷۹	۴۵۱/۹۵	کل تصحیح شده
--	--	--	----	--------	--------------

نتایج جدول بالا نشان می دهد که میانگین نمرات گروه آزمایش و گواه برای متغیر خودشکوفایی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است و متغیر پیش آزمون خودشکوفایی تاثیر معنی داری بر روی متغیر پاسخ پس آزمون خودشکوفایی دارد ($P=۰/۰۰۴$). بنابراین این فرضیه تأیید می گردد و روش های تدریس دانش آموز محور، پس از کنترل متغیر پیش آزمون خودشکوفایی، موجب افزایش خودشکوفایی در دانش آموزان می گردد.

۴- نتیجه گیری

نتایج نشان داد روش یادگیری همکارانه بر خودشکوفایی دانش آموزان شهرستان دزپارت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تاثیر معنی داری دارد. که با نتایج پژوهش مهدوی یگانه (۱۳۹۸) همسو می باشد که در نتیجه پژوهش های خود نشان داد روش آموزش دانش آموز محور بر خودشکوفایی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان موثر بوده است به عبارتی دیگر روش آموزش دانش آموز محور باعث افزایش خودشکوفایی و بهبود سازگاری اجتماعی دانش آموزان شده است. در تبیین این یافته می توان گفت: تعلیم و تربیت یکی از مهم ترین حقوق اساسی هر انسان است، بنابراین فراهم آوردن امکانات آموزشی و تربیتی همگانی برای شکوفایی ابعاد معنوی و مادی افراد و تامین حقوق همه آن ها در یک جامعه انسانی ضروری است. علاوه بر این با امکانات آموزشی و تربیتی عمومی و مطلوب است که می توان منابع انسانی جامعه را توسعه و تکامل بخشید، سلامت و بهداشت افراد جامعه را تامین نمود، فرهنگ جامعه را غنی ساخت، ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی را فراهم آورد و نیروی انسانی مورد نیاز برای رشد اقتصادی را پرورش داد. قسمت اعظم این وظیفه، در ابتدا توسط خانواده انجام می شد همزمان با گسترش جوامع و تقسیم کار اجتماعی و اقتصادی، وظیفه تعلیم و تربیت به نهاد آموزش و پرورش محول گردید. بررسی ها نشان می دهد برای انتقال دانش و اطلاعات، روش سخنرانی کارایی بیشتری دارد. اما یادآوری و تفکر سطح بالا و ایجاد نگرش بیشتر با فعالیت های گروهی امکان پذیر است؛ بنابراین، نظام های آموزشی با این مسئله مواجه اند که به کجا می خواهند بروند و در آینده به چه نوع انسان های تربیت شده ای نیاز دارند، با توجه به این که معلمان به عنوان یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در فرایند یاددهی - یادگیری، مسئول هدایت دانش آموزان و تلاش در جهت درونی ساختن آموخته ها و پرورش توانایی استفاده از آموخته ها در عمل و تقویت نگرش مثبت به یادگیری و آموختن راه یادگیری و استفاده از روش های فعال یا غیرفعال اند، مورد توجه خاص نظام های آموزشی واقع شده اند. معلمان ایران نسبت به روش تدریس فعال نگرش مثبت دارند. اما در عمل، از روش فعال استفاده نمی کنند. یادگیری دانش آموزانی که خودشکوفاه هستند خیلی سریعتر از دانش آموزان دیگر اتفاق می افتد. بنابراین هر چه خودشکوفایی افراد بیشتر باشد یادگیری آن ها سریع تر انجام می شود. بنابراین یادگیری و خودشکوفایی می تواند اثربخشی یادگیری همکارانه را در بین دانش آموزان پیش بینی کند. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود که در مدارس جوی صمیمی ایجاد شود. دانش آموزان در بحث های گروهی در کلاس درس بیشتر شرکت داده شوند زیرا در صورت شرکت دانش آموزان در مباحث درسی، یادگیری دانش آموزان بالا می رود و دانش آموزان درس را بهتر یاد می گیرند. بنابراین معلمان متکلم وحده نیستند و دانش آموزان علاقه بیشتری به درس پیدا می کنند. همچنین پیشنهاد می شود مسئولان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت تمهیدات، امکانات و زمینه هایی را فراهم آورند تا بستری جهت انجام پژوهش توسط دانش آموزان و مشارکت دانش آموزان در بحث های گروهی در کلاس درس فراهم گردد تا اینکه دانش آموزان با علاقه بیشتری سر کلاس درس حاضر شوند. همچنین با توجه به اینکه افراد خودشکوفای یادگیری بهتری دارند خوشکوفایی به دانش آموزان آموزش داده شود و دانش آموزان خودشکوفای شناسایی شوند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵-منابع

- افشاری زاده، ز. (۱۳۹۸). مقایسه کارآمدی روش های دانش آموز محور با روش آموزش سنتی در رشد مهارت های اجتماعی و ابعاد عاطفی دانش آموزان غیردولتی مقطع ابتدایی در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی آمل، دانشکده علوم انسانی. بیابانگرد، ا. (۱۳۹۲). روان شناسی نوجوانان، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- داودی، م. (۱۳۹۳). نقش معلم در تربیت دینی، جلد ۱، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- شعاری نژاد، ع. (۱۳۹۰). مبانی روان شناختی تربیت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- شعاری نژاد، ع. (۱۳۹۲). روانشناسی رشد، تهران: انتشارات پیام نور.
- شعبانی، ح. (۱۳۹۷). مهارت های آموزشی روش ها و فنون تدریس، تهران: انتشارات سمت.
- قازاده، م. (۱۳۹۳). راهنمای روشهای نوین تدریس بر پایه پژوهشهای مغزپروری، ساختگرایی، یادگیری از طریق همیاری و فراشناخت، تهران: انتشارات آبیژ.
- مهدوی یگانه، م؛ قربانی سنجدری، م. (۱۳۹۸). تعیین اثربخشی آموزش دانش آموز محور بر خودشکوفایی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال دهم، شماره ۵۸.
- مارشال، ر. (۱۳۹۴). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر ویرایش.
- معمدی، و؛ ابطحی لقب، م. (۱۳۹۶). تاثیر کاربرد رایانه در پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان، رشد و تکنولوژی آموزشی، دوره ۳۰، شماره ۶، ۱۴-۱۲.
- نفیسی، ع. (۱۳۹۸). آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰ (مجموعه اول)، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.